

## زنده یاد « منوچهر ستوده » سرو کهنسال دانش :

استاد «منوچهر ستوده» پدر جغرافیای تاریخی و چهره ماندگار ایران شناسی در واپسین ساعات روز جمعه ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ چشم از جهان فرو بست . دکتر ستوده که تیر ماه سال ۹۴ وارد ۱۰۳ سالگی شده بود ، از نخستین روزهای سال جدید در بیمارستان آیت‌الله طالقانی چالوس بستری شد و زیر نظر کادر پزشکی این بیمارستان به شکل ویژه مورد مراقبت قرار گرفت. اما کهولت سن مانع از نتیجه دادن مراقبت‌های کادر پزشکی شد و در نهایت سرو کهنسال دانش، فرهنگ و تاریخ ایران زمین در گذشت و مردی که سال‌ها تاریخ را می‌نوشت و تاریخ با حضور و وجود او احساس غرور می‌کرد، دیگر ستوده‌ای ندارد و تاریخ بی ستوده چه سخت و سنگین خواهد بود. استاد ستوده سال ۱۲۹۲ در تهران متولد شد. پدرش اهل باسل نور، از مناطق ییلاقی و کوهستانی غرب مازندران بود. بسیاری از افراد زنده‌یاد ستوده را با کتاب ۱۰ جلدی « از آستارا تا استرآباد » می‌شناسند. اما حاصل بیش از ۸۰ سال فعالیت‌های علمی و پژوهشی او در ایران و نقاط مختلف جهان، بیش از ۵۰ عنوان کتاب و حدود ۳۰۰ مقاله معتبر است که هر کدام در جای خود اثری ارزشمند و کاربردی تلقی می‌شوند. این استاد فقید سال ۱۳۱۳ به دانشسرای عالی راه یافت و نخستین مقاله‌اش را درباره « مطالعات تاریخی و جغرافیایی- مسافرت به قلعه الموت » تدوین و منتشر کرد . لیسانس‌اش را در سال ۱۳۱۷ در رشته ادبیات فارسی دریافت کرد و ۱۲ سال بعد زیر نظر استاد « بدیع‌الزمان فروزانفر » از رساله دکتری خود که « قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز » نام داشت، دفاع کرد. ستوده سال ۱۳۳۱ عضو جامعه ملی جغرافیای آمریکا شد و سال پس از آن هم به عضویت انجمن ایران‌شناسی در آمد. وی سال ۱۳۳۲ نخستین کتاب خود را با عنوان « فرهنگ گیلکی » در سلسله انتشارات انجمن ایران‌شناسی منتشر کرد . پس از چند سفر مطالعاتی به نقاط مختلف دنیا ، در سال ۵۴ به درجه استادی دانشگاه تهران رسید . وی در چند سال پایانی زندگی‌اش که توان فعالیت‌های پژوهشی را نداشت ، در منطقه « سی سرا » ی سلمان‌شهر زندگی می‌کرد و تابستان‌ها به روستای «کوشک لورا» می‌رفت. « فرهنگ گیلکی »، « فرهنگ کرمانی » ، «فرهنگ بهدینان» ، «حدود العالم من المشرق الی المغرب» (تصحیح) ، « دیوان امیر پازواری» (تصحیح) ، « مهمان نامه بخارا» (تصحیح) ، « جغرافیای اصفهان » ، « فرهنگ سمنانی، سرخه‌ای، لاسگردی، سنگسری، شه‌میرزادی »، « عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» (تصحیح)، « قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز »، « تاریخ گیلان و دیلمستان » ، « از آستارا تا استرآباد » در ۱۰ جلد ، (شامل آثار و بناهای تاریخی گیلان و مازندران و گلستان که هر کدام نزدیک به ۸۰۰ صفحه است) ، « فرهنگ نائینی »، « تاریخ بدخشان » ، « تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس » ، « سفرنامه گیلان ناصرالدین شاه قاجار»، « جغرافیای تاریخی شمیران » و « اسناد خاندان خلعتبری » تعدادی از کتاب‌های استاد ستوده است.

در ۲ دهه اخیر فعالیت‌های متعددی در پاسداشت مقام استاد ستوده برگزار شد. از برگزاری نشست‌ها و همایش‌های بزرگداشت تا انتشار کتاب‌های مختلف درباره زندگی استاد ستوده و ساختن فیلم‌هایی از زندگی ایشان حاصل تلاش و توجه تعدادی از اهالی فرهنگ و هنر به این چهره ماندگار دانش و فرهنگ ایران بود. مستند «سه سال و یک قرن» به کارگردانی «افشین آذریان»، «۱۰۳ سال تنهایی» به کارگردانی «مهدی حیدری»، «مستند «خون است دلم برای ایران» به کارگردانی «سید جواد میرهاشمی»، انتشار کتاب «سرو کهنسال» در صدمین زادروز استاد ستوده با محتوای غنی یادداشت‌هایی از استاد دکتر باستانی پاریزی، استاد دکتر «محمد دبیر سیاقی»، استاد دکتر «محمد جعفر یاحقی»، استاد «عنایت‌الله مجیدی»، استاد «ابراهیم پورداوود»، استاد «ایرج افشار»، استاد «فریدون نوزاد»، «عبدالرحمن عمادی»، دکتر «علی رفیعی» و دیگر بزرگان به همراه اشعار و مقالاتی از دکتر ستوده در موسسه دائره المعارف بزرگ اسلامی، گردآوری یادداشت‌های دکتر ستوده توسط «مصطفی نوری» و انتشار آن در قالب کتابی با نام «ره‌آورد ستوده» و بسیاری از این دست اقدامات را می‌توان در فهرست برنامه‌هایی که اهالی فرهنگ و دانش برای پاسداشت این چهره فرهیخته انجام دادند قرار داد.

اما قصه‌ی تلخ زندگی پر از درس استاد ستوده تنهایی او در سال‌های پایانی عمرش بود. دکتر ستوده در سال‌های پایانی عمرش در تنهایی به سر برد و کمتر از سوی مسئولان به شکل مستمر مورد توجه قرار گرفت؛ هر چند که استاد هرگز نیازمند توجه مقامی یا شخصیتی نشد و هیچ وقت با کتاب‌ها احساس تنهایی نکرد، اما آن‌طور که باید به این چهره ماندگار میهن ما که تمام دارایی خود را وقف پژوهش‌های ایران‌شناسی و بنیاد موقوفات زنده‌یاد «محمود افشار» کرد، توجه نشد.

ستوده از جمله کسانی بود که به قول خودش به دنیا آمده بود که بماند. او در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش گفته بود «بعضی‌ها به دنیا می‌آیند که بمیرند و بعضی‌ها به دنیا می‌آیند که بمانند!»؛ خانه‌اش بسیار ساده بود و اتاقش در خانه‌ی بیلاقی کوشک جز یک زیلو و یک دست رخت‌خواب چیزی نداشت. او با رادیو و تلویزیون میانه‌ای نداشت.

پیکر آن مرحوم طبق وصیت خودش در آرامگاه تازه‌آباد سلمان‌شهر کنار قبر «صادق کیا» دوست قدیمی‌اش که سال ۸۰ فوت کرد، دفن شد.